

بازار خودرو در آبانماه
بانوسان مواجه شد

دو عامل اصلی جهش قیمت خودرو

صفحه ۷



همراهی سه قوه در مسیر اصلاح نظام بانکی کشور

سرنوشت آینده در دست ناترازاها

مسئولان بانک مرکزی تلاش کرده‌اند به این سوالات پاسخ دهند اما حالا از سوی قوای سه گانه این فرآیند مورد تایید قرار گرفته است... **صفحه ۲ را بخوانید**

چه می‌شود و آیا این خطر وجود دارد که یک بار مالی تازه برای بانک مرکزی و البته تمام اقتصاد ایران به وجود بیاید یا مسیرهای دیگری دنبال خواهد شد؟ در روزهای گذشته

انباشته این بانک در نظر گرفته باقی مانده است. در واقع ادغام آن در بانک ملی، همچنان سوالاتی در مسیر نحوه این جابه جایی و مدلی که بانک مرکزی برای تامین زبان

چند روز پس از نهایی شدن فرآیند انحلال بانک آینده و از ارکان اصلی این -اصلاحات، افزایش

اختیارات استان‌ها و توسعه متوازن

اخیرا معاون اول رئیس‌جمهور بخش‌هایی از اصلاحات ساختاری مورد نیاز ساختار اجرایی را رسانهای کرده‌اند که یکی از ارکان اصلی این -اصلاحات، افزایش

اختیارات و منابع به استان‌ها عنوان شده است. اظهاراتی که در واقع اشاره به یکی از کمبودهای جدی در حوزه فعالیت‌های استانی است و لازم است ابعاد و زوایای گوناگون آن مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد.

آقای عارف موضوع اصلاح ساختار را از برنامه سوم پیشرفت دانسته و اعلام کردند: «جمع‌بندی دولت چهاردهم این است که سیاست واگذاری امور به بخش خصوصی اجرایی شود. راهبر اصلی ما این است که بخش خصوصی در امور تصدی‌گری و حتی بخشی از وظایف حاکمیتی مسوولیت پیدا کند. دولت همچنین به دنبال واگذاری امور مختلف به استان‌هاست.»

موضوع افزایش اختیارات استان‌ها یکی از نیازهای اساسی مناطق مختلف کشور است که نقش مهمی در تحقق رشد و پیشرفت کشور خواهد داشت.

مساله این است که هر گزاری که کشور به آن نیاز دارد، استان‌های کشور هم با کمی تعدیل به آنها نیاز دارند.

در واقع منهای مسائل امنیتی و دفاعی در باقی حوزه‌های صنعت، کشاورزی و خدمات، استان‌ها کارهایی در مقیاس کشور را انجام می‌دهند که تاثیر مستقیمی در بهبود وضعیت شاخص‌های رشد استان‌ها دارد. اما برخی استان‌های ایران مزیت‌هایی دارند که سایر استان‌ها از آن بی‌بهره‌اند یا بهره کمتری دارند.

دسترسی‌هایی برای برخی استان‌ها وجود دارد که منحصر به فرد است. در واقع مزیت هر استانی با استان دیگر تفاوت دارد، بنابراین منابع و برنامه‌ریزی‌ها و الگوی رشد متفاوتی هم نیاز دارند. وقتی من می‌توانم خودم گندم را تامین کنم، چرا باید گندم از جنوب کشور وارد شده و به سمت گیلان بیاید یا وقتی فراورده‌های نفتی را می‌توانم به روش‌های مورد نظر از استان‌های همجوار تامین کنم، چرا باید منتظر تامین آن از جنوب کشور باشم؟ من به عنوان استاندار یک استان با ظرفیت بالای گردشگری، انتظار دارم بیشترین بودجه‌های ممکن را در حوزه ساخت هتل و گردشگری به کار بگیرم.

اما بودجه مورد نظر در این حوزه برای این استان هم مانند باقی استان‌ها دیده می‌شود. پرسش کلیدی این است که من به عنوان استاندار به دنبال چه نوع اختیاراتی هستم؟ اول به دنبال این اختیار هستم که سهم بودجه متعادل‌تری داشته باشم. طی دهه‌های اخیر، سهم بودجه یک استان مانند گیلان از بودجه کل کشور هر عددی که بودجه تماما به استاندار داده شود تا استاندار در چارچوب یک الگو، قاعده و ضابطه آن را هزینه کند. همان گونه که مجلس بودجه کل کشور را بررسی کرده و تصویب می‌کند. این‌بار هم ردیف‌های مرتبط با یک استان را تصویب کند، در اختیار استان قرار دهد تا استاندار این بودجه را در اختیار بخش‌های مختلف صنعت، خدمات یا کشاورزی تخصیص دهد. معنای اختیارات اگر بدون منابع باشد، هدف تحقق پیدا نمی‌کند.

روایط با استان‌های همجوار و کشورهای خارجی از اختیارات استاندارد باید باشد. باید استاندارد بتواند با توجه به درآمدهایی که هر استان دارد به نوسازی حمل و نقل، صنعت، گردشگری و... بپردازد. امروز بسیاری از پروژه‌های زیرساختی با تجهیز پروژه‌های زیرساختی، به عنوان مثال تجهیز بیمارستان به دستگاه‌های آزمایشگاهی و... به منافع ویژه‌ای نیاز دارد. اگر این منابع در اختیار استاندار قرار گیرد، می‌تواند راسا این نیازها را تامین کند. به‌طور خلاصه می‌توان گفت اگر اختیارات دستگاه‌های ملی تقسیم بر ۳۱ استان شود به هر استان اختیار لازم و منابع لازم قرار گیرد، اتفاق بسیار مهمی رخ می‌دهد.

یادداشت -۱



هادی حق شناس

اختیارات و منابع به استان‌ها عنوان شده است. اظهاراتی که در واقع اشاره به یکی از کمبودهای جدی در حوزه فعالیت‌های استانی است و لازم است ابعاد و زوایای گوناگون آن مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد.

آقای عارف موضوع اصلاح ساختار را از برنامه سوم پیشرفت دانسته و اعلام کردند: «جمع‌بندی دولت چهاردهم این است که سیاست واگذاری امور به بخش خصوصی اجرایی شود. راهبر اصلی ما این است که بخش خصوصی در امور تصدی‌گری و حتی بخشی از وظایف حاکمیتی مسوولیت پیدا کند. دولت همچنین به دنبال واگذاری امور مختلف به استان‌هاست.»

موضوع افزایش اختیارات استان‌ها یکی از نیازهای اساسی مناطق مختلف کشور است که نقش مهمی در تحقق رشد و پیشرفت کشور خواهد داشت.

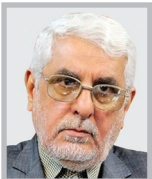
مساله این است که هر گزاری که کشور به آن نیاز دارد، استان‌های کشور هم با کمی تعدیل به آنها نیاز دارند.

در واقع منهای مسائل امنیتی و دفاعی در باقی حوزه‌های صنعت، کشاورزی و خدمات، استان‌ها کارهایی در مقیاس کشور را انجام می‌دهند که تاثیر مستقیمی در بهبود وضعیت شاخص‌های رشد استان‌ها دارد. اما برخی استان‌های ایران مزیت‌هایی دارند که سایر استان‌ها از آن بی‌بهره‌اند یا بهره کمتری دارند. دسترسی‌هایی برای برخی استان‌ها وجود دارد که منحصر به فرد است. در واقع مزیت هر استانی با استان دیگر تفاوت دارد، بنابراین منابع و برنامه‌ریزی‌ها و الگوی رشد متفاوتی هم نیاز دارند. وقتی من می‌توانم خودم گندم را تامین کنم، چرا باید گندم از جنوب کشور وارد شده و به سمت گیلان بیاید یا وقتی فراورده‌های نفتی را می‌توانم به روش‌های مورد نظر از استان‌های همجوار تامین کنم، چرا باید منتظر تامین آن از جنوب کشور باشم؟ من به عنوان استاندار یک استان با ظرفیت بالای گردشگری، انتظار دارم بیشترین بودجه‌های ممکن را در حوزه ساخت هتل و گردشگری به کار بگیرم.

اما بودجه مورد نظر در این حوزه برای این استان هم مانند باقی استان‌ها دیده می‌شود. پرسش کلیدی این است که من به عنوان استاندار به دنبال چه نوع اختیاراتی هستم؟ اول به دنبال این اختیار هستم که سهم بودجه متعادل‌تری داشته باشم. طی دهه‌های اخیر، سهم بودجه یک استان مانند گیلان از بودجه کل کشور هر عددی که بودجه تماما به استاندار داده شود تا استاندار در چارچوب یک الگو، قاعده و ضابطه آن را هزینه کند. همان گونه که مجلس بودجه کل کشور را بررسی کرده و تصویب می‌کند. این‌بار هم ردیف‌های مرتبط با یک استان را تصویب کند، در اختیار استان قرار دهد تا استاندار این بودجه را در اختیار بخش‌های مختلف صنعت، خدمات یا کشاورزی تخصیص دهد. معنای اختیارات اگر بدون منابع باشد، هدف تحقق پیدا نمی‌کند.

روایط با استان‌های همجوار و کشورهای خارجی از اختیارات استاندارد باید باشد. باید استاندارد بتواند با توجه به درآمدهایی که هر استان دارد به نوسازی حمل و نقل، صنعت، گردشگری و... بپردازد. امروز بسیاری از پروژه‌های زیرساختی با تجهیز پروژه‌های زیرساختی، به عنوان مثال تجهیز بیمارستان به دستگاه‌های آزمایشگاهی و... به منافع ویژه‌ای نیاز دارد. اگر این منابع در اختیار استاندار قرار گیرد، می‌تواند راسا این نیازها را تامین کند. به‌طور خلاصه می‌توان گفت اگر اختیارات دستگاه‌های ملی تقسیم بر ۳۱ استان شود به هر استان اختیار لازم و منابع لازم قرار گیرد، اتفاق بسیار مهمی رخ می‌دهد.

یادداشت -۲



حسن هانی زاده

اهداف سفر ترامپ به شرق آسیا چیست؟ آیا این سفر ارتباطی با تلاش‌های چین برای دلارزدایی در سطح منطقه و جهان دارد؟ دورنمای تحولات منطقه شرق آسیا پس از سفر ترامپ چگونه خواهد بود؟ اینها پرسش‌هایی هستند که پس از سفر ترامپ به ژاپن در محافل تحلیلی طرح شده و ضرورت پاسخگویی به آنها احساس می‌شود. اصلا سفر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکابه کشورهای جنوب شرق آسیا برای شرکت در چهل و هفتمین نشست کشورهای آسان و سفر او به ژاپن و همچنین دیدار با میر قطر در دوحه و در هواپیمای نشان می‌دهد که امریکا در صدد پارگیری‌های جدید و تشکیل یک جبهه تازه در تقابل با چین و روسیه است. ترامپ دیروز وارد مالزی شد تا جایگاه امریکا را در مواجهه با چین تقویت کند. جایگاهی که با گسترش روزافزون نفوذ اقتصادی و تجاری چین در سراسر جهان به خصوص شرق آسیا پیش از هر زمان دیگر با چالش روبه‌رو است.

ترامپ، سیاست تعرفه‌ای خود را نیز از اصلی فشار در مذاکرات جهانی می‌داند و آن را بخشی جدایی‌ناپذیر از دیپلماسی

یادداشت -۳



سعید امیرشاه‌کرمی

بورس اوراق بهادار تهران (TSE) و بازار مالی دویی (DFM)، دو نهاد کلیدی در بازارهای سرمایه خاورمیانه، بازتاب‌دهنده ویژگی‌های متمایز اقتصاد ایران و امارات متحده عربی هستند. بورس تهران، با بیش از پنج دهه فعالیت، ریشه در اقتصاد متمرکز ایران دارد و عمدتا به سرمایه‌گذاران داخلی خدمت‌رسانی می‌کند. تحت نظارت سازمان بورس و اوراق بهادار ایران (SEO)، این بازار بر صنایع کالایی نظیر پتروشیمی، فلزات اساسی و خودروسازی متمرکز است. وابستگی به اقتصاد داخلی، همراه با تورم بالا، نوسانات ارزی و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی، این بازار را به فضایی پرریسک و نقدشوندگی محدود تبدیل کرده است. رشدهای مقطعی، اغلب در دوره‌های ثبات ارزی با کاهش تنش‌های

سیاسی رخ می‌دهد، اما نااطمینانی‌های ژئوپلیتیکی و خروج سرمایه‌های حقیقی، نوسانات را تشدید می‌کنند. بورس تهران (TSE) برای سرمایه‌گذاران داخلی با تحمل ریسک بالا، فرصت‌هایی چالش‌برانگیز اما بالقوه سودآور ارائه می‌دهد. بازار مالی دویی (DFM)، در مقابل، بخشی از استراتژی امارات برای جایگاه‌سازی به عنوان مرکز مالی جهانی است. این بازار، با تعداد کمتری شرکت‌ها اما تنوع بخشی بالا، تحت نظارت سازمان اوراق بهادار امارات (SCA) و مقامات مالی دویی (DFSA) فعالیت می‌کند. این نهاد سرمایه‌گذاران خارجی و نهادهای را جذب می‌کند و با هم‌افزایی با پلتفرم‌هایی مانند ناسداک دویی (Nasdaq Dubai)، که بر اوراق بین‌المللی متمرکز است، از ثبات و نقدشوندگی بیشتری برخوردار است. زیرساخت‌های دیجیتال پیشرفته و انطباق با استانداردهای جهانی، بازار مالی دویی (DFM) را به مقصدی جذاب برای سرمایه‌گذاری فرامرزی تبدیل کرده است.

عملکرد بورس تهران (TSE) به شدت تحت تاثیر متغیرهای داخلی مانند سیاست‌های پولی بانک مرکزی، تنش‌های ژئوپلیتیکی و محدودیت‌های صادراتی، به‌ویژه وابستگی به بازارهای صادراتی مانند چین، قرار دارد. رفتار سرمایه‌گذاران حقیقی، که بخش عمده معاملات را هدایت می‌کنند، بازار را به سوی رشدهای کوتاه‌مدت با افت‌های سنگین سوق می‌دهد. در مقابل بازار مالی دویی (DFM) با تکیه بر ثبات سیاسی و اقتصاد غیر نفتی امارات، رشدی پایدار و پیش‌بینی‌پذیر را تجربه می‌کند. عرضه‌های اولیه (IPO) موفق در بخش‌های فناوری و خدمات، همراه با جذب سرمایه‌گذاران خارجی، این بازار را به فضایی باثبات و پویا تبدیل کرده است. بورس تهران (TSE) به صنایع کالایی وابسته است که آن را به قیمت‌های جهانی و محدودیت‌های صادراتی حساس می‌کند. شرکت‌های بزرگ، که اغلب تحت نفوذ سیاست‌های کلان دولتی هستند، سودآوری‌شان به عوامل خارجی مانند بازارهای صادراتی گره خورده است.

ادامه در صفحه ۳

رقابت بورس‌های تهران و دویی: از کالاهای فناوری

عملکرد بورس تهران (TSE) به شدت تحت تاثیر متغیرهای داخلی مانند سیاست‌های پولی بانک مرکزی، تنش‌های ژئوپلیتیکی و محدودیت‌های صادراتی، به‌ویژه وابستگی به بازارهای صادراتی مانند چین، قرار دارد. رفتار سرمایه‌گذاران حقیقی، که بخش عمده معاملات را هدایت می‌کنند، بازار را به سوی رشدهای کوتاه‌مدت با افت‌های سنگین سوق می‌دهد. در مقابل بازار مالی دویی (DFM) با تکیه بر ثبات سیاسی و اقتصاد غیر نفتی امارات، رشدی پایدار و پیش‌بینی‌پذیر را تجربه می‌کند. عرضه‌های اولیه (IPO) موفق در بخش‌های فناوری و خدمات، همراه با جذب سرمایه‌گذاران خارجی، این بازار را به فضایی باثبات و پویا تبدیل کرده است. بورس تهران (TSE) به صنایع کالایی وابسته است که آن را به قیمت‌های جهانی و محدودیت‌های صادراتی حساس می‌کند. شرکت‌های بزرگ، که اغلب تحت نفوذ سیاست‌های کلان دولتی هستند، سودآوری‌شان به عوامل خارجی مانند بازارهای صادراتی گره خورده است.

ادامه در صفحه ۳

یادداشت -۴

ارزندگی واقعی در بورس



محمد خبری‌زاد

از پایان شهر یور اسمال، بازار سرمایه ایران بعد از ماه‌ها افت و بی‌اعتمادی، بالاخره نشانه‌هایی از بازگشت امید را بروز داد. کف قیمتی شاخص که از زمان وقوع جنگ شکل گرفته بود، با اشباع عوامل بنیادی و فضا را برای رخ‌خوش مثبت فراهم کرد. انتشار گزارش‌های ماهانه شهر یور دقیقاً همان جرقه‌ای بود که مسیر رشد را روشن کرد؛ گزارش‌هایی که نشان می‌داد شرکت‌ها به سودآوری قابل توجه رسیده‌اند و ظرفیت‌های مغفول در حال بروز هستند. با آغاز مهر ماه، روندی تازه در بازار شکل گرفت و روند نقدینگی، آن‌هم نه از سوی معامله‌گران حرفه‌ای، بلکه از سمت سرمایه‌های بیرون بورس. پول‌هایی که به‌اصطلاح غریبه بودند، اما دلال‌ها ششدار داده و اعلام کرده که چین به دنبال ایجاد یک ارز جایگزین است، به همین دلیل، یکی از دلایل اصلی نزدیک شدن دونالد ترامپ به کشورهای آسانه در راستای مانع‌تراشی برای تضعیف دلار و سقوط برابر ارز شرقی است.

عملکرد بورس تهران (TSE) به شدت تحت تاثیر متغیرهای داخلی مانند سیاست‌های پولی بانک مرکزی، تنش‌های ژئوپلیتیکی و محدودیت‌های صادراتی، به‌ویژه وابستگی به بازارهای صادراتی مانند چین، قرار دارد. رفتار سرمایه‌گذاران حقیقی، که بخش عمده معاملات را هدایت می‌کنند، بازار را به سوی رشدهای کوتاه‌مدت با افت‌های سنگین سوق می‌دهد. در مقابل بازار مالی دویی (DFM) با تکیه بر ثبات سیاسی و اقتصاد غیر نفتی امارات، رشدی پایدار و پیش‌بینی‌پذیر را تجربه می‌کند. عرضه‌های اولیه (IPO) موفق در بخش‌های فناوری و خدمات، همراه با جذب سرمایه‌گذاران خارجی، این بازار را به فضایی باثبات و پویا تبدیل کرده است. بورس تهران (TSE) به صنایع کالایی وابسته است که آن را به قیمت‌های جهانی و محدودیت‌های صادراتی حساس می‌کند. شرکت‌های بزرگ، که اغلب تحت نفوذ سیاست‌های کلان دولتی هستند، سودآوری‌شان به عوامل خارجی مانند بازارهای صادراتی گره خورده است.

ادامه در صفحه ۳

از بافت فرسوده
تاسکوتنگاه‌های غیر رسمی

تهران روی خط قرمز زلزله

صفحه ۵

«تعادل»

از طلای سیاه در سایه سبزها
گزارش می‌دهد

آینده نفت در جهان بی‌نفت

در قرنی که همه‌از «کربن صفر» و «تجدیدپذیرها» سخن می‌گویند، هنوز صدای چکیدن نفت در اعماق زمین، موسیقی قدرت و ثروت است. اما آیا این موسیقی تا دهه ۲۰۳۰ ادامه دارد؟ یا آرام‌آرام جای خود را به صدای توربین‌های بادی و پنل‌های خورشیدی خواهد داد؟ جهان انرژی در نقطه‌ای حساس ایستاده است: دوراهی میان سرمایه‌گذاری بیشتر در نفت یا حرکت سریع‌تر به سمت آینده‌ای پاک‌تر. گزارش تازه «اِژانس بین‌المللی انرژی» (IEA) می‌گوید...

رونق کوتاه‌مدت
فقط برای سرمایه‌گذاران

رکود فعلاً مهمان بازار مسکن

بازار مسکن این روزها همچنان در رکود به سر می‌برد، با وجود آنکه کاهش نسبی قیمت ارز و طلا موجب شده بخشی از سرمایه‌ها به سمت ملک حرکت کند. کارشناسان معتقدند این تحرک، رونق کوتاه‌مدت و بیشتر سرمایه‌ای ایجاد خواهد کرد و توان خرید واقعی خانوارها هنوز به حدی نرسیده که بتواند بازار را از رکود خارج کند. فاصله فراینده بین قیمت مسکن و درآمد خانوارهاو کمبود آمار رسمی، این رکود را پایدار نگه داشته و چشم‌انداز کوتاه‌مدت بازار را محدود کرده است. **صفحه ۵ را بخوانید**

یادداشت -۵

اقتصاد و هوش ایرانی



علی تقوی

وقتی ایرانیان از نظر بهره هوشی در جایگاهی بالاترند، انتظار طبیعی این بود که توسعه علمی و اقتصادی هم پیش‌تر باشییم، اما تفاوت در این است که کشورهای رقیب، برنامه‌های خود را با مشارکت نهادهای بین‌المللی، پشتوانه سرمایه‌ خارجی و مشاوران مدیریت جهانی پیش بردند؛ در حالی که ایران بیشتر به برنامه‌هایی درون‌زا، بدون پشتوانه مالی خارجی و گرفتار تغییرات سیاستی تکیه کرد. این همان شکافی است که امروز به وضوح دیده می‌شود: در ترکیه، عربستان و امارات، سرمایه انسانی با پشتیبانی سرمایه جهانی و دانش روز مدیریت به بار نشست؛ اما در ایران، سیاست‌های کوتاه‌مدت، نهادهای ناپایدار و خروج نخبگان، این برتری شناختی را عقیم گذاشته است. اینجاست که تناقضی تلخ رخ می‌نماید: ایرانیان با بهره هوشی ممتاز، در عمل به از آن‌ترین نیروهای کار متخصص در منطقه بدل شده‌اند. در صورتی که هوش و تخصص ایرانیان می‌توانست موتور محرک توسعه ملی باشد؛ اما عدم توازن میان درآمد و هزینه در داخل کشور و بازار کار محدود و ناکارآمد، بسیاری از نخبگان را ناچار کرده به کشورهای منطقه برونزد؛ جایی که به عنوان « نیروی کار متخصص ارزان» جذب می‌شوند. درنهایت این‌که همین نیروهای توانمند، که ظرفیت طراحی و هدایت کلان پروژه‌ها را دارند، در همان کشورها حتی برای باز کردن یک حساب بانکی ساده نیز با دشواری مواجه می‌شوند. این فقط مهاجرت شغلی نیست؛ اتلاف یک سرمایه ملی است. سرمایه‌ای که اگر در بستر مدیریتی درست در ایران به کار گرفته می‌شد، امروز ستون فقرات توسعه کشور بود نه ابزار ارزان توسعه دیگران.

چهره نخست: اگر ظرفیت هوشی ایرانیان با سیاست‌گذاری خردمندانه، آموزش با کیفیت، سرمایه‌گذاری پایدار در علم و فناوری و بازگشت نخبگان همراه شود، ایران می‌تواند به الگویی منطقه‌ای بدل گردد؛ با دانشگاه‌های برتر، اتا سازتاب‌های جهانی و سهمی پررنگ در انقلاب فناوری.

چهره دوم: اگر روند کنونی ادامه یابد و چشم‌انداز روشن برای نسل جوان فراهم نشود، سرمایه‌های شناختی ما از رها عبور خواهند کرد و در اختیار کشورهای قرار می‌گیرد که با برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری هوشمندانه، جایگاهی برتر ساخته‌اند.

ادامه در صفحه ۳

به شماره ۵۳۲۰۰۵۳۰۰ در دسترس شماست

مخاطبان عزیز می‌توانند نظرها، انتقادات و پیشنهادهای خود در مورد مطالب مختلف روز نامه را با ذکر جزئیات به این سامانه پیامک نمایند.

سامانه پیامکی روز نامه تعادل

